

بحث شرح زیارت عاشورا

مسجد جامع دانشگاه شیراز

جلسه اول

آیت الله علی رضایی تهرانی

۱۴۴۶/۰۱/۰۹ هجری قمری

۱۴۰۳/۰۴/۲۵ هجری شمسی

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ الْأَعْظَمِ وَتَيْجَةِ الْعَالَمِ، هَادِي السُّبُلِ وَمُنْجِي الْبَشَرِ سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا
حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ وَاللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى
أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ؛»

روز تاسوعای حسینی است؛ ان شاء الله به یمن و برکت صاحب امروز عباس بن علی بن ابی طالب (علیهم السلام) در دنیا و آخرت در فهرست اقامه کنندگان عزای حسینی ثبت و ضبط بوده باشیم به برکت صلوات بر محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله وسلم)؛

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.»

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مُحَمَّدٌ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمُ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رِزْقِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
يَوْمَ الْوُرُودِ وَتَبَّتْ لِي قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ {وَأَوْلَادِ الْحُسَيْنِ} وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَدَلُوا مَهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ
عَلَيْهِ السَّلَامُ؛»

در میان ۱۴ معصوم، هیچ معصومی به اندازه سیدالشهداء (علیه السلام) دارای زیارت نیست؛ بیشترین زیارات از امام حسین (علیه السلام) است؛ چه زیارات مطلقه چه زیارات مخصوصه.
زیارت عاشورا معروفترین زیارت سید و سالار شهیدان است و اگر به اعتبار ۱۰۰ لعن و صد سلام در نظر گرفته بشود طولانیترین زیارت هم هست. الان دیدید یک ساعت و نیم خواندن این زیارت به طول انجامید.
زیارت بسیار معتبری است در این زیارت عنصر تولی و تبری و به خصوص عنصر تبری بسیار پررنگ است. ما در تشیع هم تولی را شرط می دانیم و هم تبری را که اگر فقط تولی را در نظر بگیریم به یکباره جمعیت شیعیان دوبرابر می شود، همه مصری ها می شوند شیعی، بسیاری از اهل سنت می شوند شیعی، ولی این ها شیعه بالمعنی الاخص نیستند؛ بلکه شیعه به معنای خاص کسی است که هم اهل تولی است و هم اهل تبری است و به ضرس قاطع می خواند و می داند و می گوید:

«اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ اللَّهُمَّ الْعَنْ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتْ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ... اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِالْعَنْ مِنِّي وَابْدَأْ بِهِ أَوَّلَ [أَوَّلًا] [الْأَوَّلَ] ثُمَّ الثَّانِي [ثُمَّ] [الثَّالِثَ] وَ[ثُمَّ] [الرَّابِعَ] ۲.»

اگر عنصر تبری را از تشیع بگیریم تشیع به معنای خاص از دست می رود.
در زیارت عاشورا یکی از لطیف ترین و پرمعق ترین بخش های زیارت همین سجده شیرینی است که در آخر

زیارت سر به سجده می‌گذاریم و چهار جمله را با خدای خود نجوا می‌کنیم اگر خدای متعال به من توفیق داد مروی به محتوای این سجده شیرین خواهیم داشت؛
به روح صاحب امروز عباس بن علی بن ابی طالب (علیه‌السلام) باز هم هدیه کنید صلوات بر محمد و آل محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)؛

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

عزیزی قبل از منبر تذکاری داد دیدم تذکر به جایی است! ایشان گفتند که مرحوم شهید رئیسی (رحمت‌الله‌علیه) برای افتتاح یک پروژه آبی به منطقه رفت و برنگشت چه اینکه عباس بن علی (علیه‌السلام) هم برای آب آوردن به علقمه رفت و برنگشت. چه خوب است که در تاسوعا از این شهید یاد کنیم به روح مطهر مرحوم آیت‌الله شهید رئیسی (رحمت‌الله‌علیه) و همراهانشان هدیه کنید صلوات بر محمد و آل محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)؛

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

در سجده آخر زیارت عاشورا چهار جمله بیشتر نداریم؛

۱. «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمْ»؛

خدایا حمد و سپاس ویژه توست بر مصیبت اهل بیت (علیه‌السلام) از جنس حمد سپاسگزاران!

«اللَّهُمَّ»، بار خدایا، «لَكَ الْحَمْدُ»، حمد ویژه تو است، حمد بر چه؟

«عَلَى مُصَابِهِمْ»، بر مصیبت اهل بیت (علیه‌السلام)، چه نوع حمدی؟

«حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ حَمْدَ»، حمد کسانی که در مقام سپاس تو هستند.

این جمله با تمام اختصارش چند تا مطلب را در خود دارد؛

نکته اول اینکه اهل بیت عصمت و طهارت (علیه‌السلام) مصیبت دیده‌اند، «مُصَابَ» مصدر میمی از «أَصَابَ يُصِيبُ؛ مُصَابِهِمْ»

خاندان عصمت و طهارت (علیه‌السلام) مصیبت دیده‌اند. این یک قانون کلی است؛ به تعبیر شاعر

هر که در این بزم مقرب‌تر است جام بلا بیشترش می‌دهند ۴

در روایات ما هم فرمودند: «الْبَلَاءُ لِلْوَلَاءِ ۵»، اصلاً بلا برای ولاء است.

مرد عرب بیابانی آمد پیش پیغمبر، اهل بیت پیغمبر (علیه‌السلام) هم بودند، به رسول‌الله عرضه داشت: «يَا

رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي أُحِبُّكَ»، دوستت دارم، «أَحَبُّ وَلَدَيْكَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنِ»؛ این دوتا آقازاده را نیز دوست دارم؛

«وَأَحَبُّ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ» علی و فاطمه (علیه‌السلام) را نیز دوست دارم؛ نصاب محبت به خمسه طویه که

تکمیل شد؛ پیغمبر (علیه‌السلام) بلافاصله فرمودند: «اسْتَعِدَّ لِلْبَلَاءِ ۶».

اگر ما پنج نفر را دوست داری آماده بلا باش!

روایت است که بلا به‌خصوص در آخرالزمان از آن سیلابی که از سر کوه روان می‌شود و به وادی می‌رسد

سریع‌تر به انسان مؤمن می‌رسد. یا همسایه بدی گیرش می‌آید یا همکار بدی نصیبش می‌شود؛ امسال

ایرانی‌ها رفتند حج به جا بیاورند، حاج‌آقای نیری در جلسه هستند، لذت حج را آل سعود از دماغ حاجی

ایرانی درآورده است!

مسجد الحرام خلوت و خالی است، نمی‌گذارد کسی بنشیند!

می‌گویند آقا کسی در صحن مسجد نیست؛ ولی مسجد را پوشانده و مانع گذاشته تا کسی در صحن مسجد

نشیند! مگر خانه پدر توست! تو اینجا نوکری و خادم الحرمین هستی!

سردمدار مصیبت‌کشان عالم اهل بیت (علیه‌السلام) هستند.

نکته دوم انسان‌های فهمیده و بزرگ کسانی هستند که نه فقط بر نعمت‌های الهی شکر می‌کنند که بر نعمت‌های ظاهری که نعمت‌های واقعی و باطنی است هم شکر می‌کنند و من در مقام زیارت‌خوان امام حسین (علیه‌السلام) می‌گویم من نیز از آن دسته هستم؛ «الْأَهْمُّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدُ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمْ ۷»؛ خدایا به این خاطر که اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) مصیبت دیدند، اجرشان بالا رفت، مقامشان بالا رفت، من دارم تو را می‌ستایم و حمد می‌کنم. فرمود: چه در خوشحالی چه در ناراحتی دستت را بگیر بالا و بگو: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ {وَالشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ ۸}».

من در خوشی خدا را می‌ستایم، در ناخوشی هم خدا را می‌ستایم، دهش او نعمت است، ندادن او هم حکمت است و نعمت است. این گونه نیست که همش «السَّرَّاءِ» حمد بخواند بلکه «الضَّرَّاءِ» نیز حمد می‌خواهد. چند سال است که ما تحریم هستیم؟! چهل و چند سال است، هشتاد درصد رشد ملت ایران به خاطر این فشارها و تحریم‌ها بود. ما الان در بنزین قدرت صادرات داریم!

یک موقع بدن مسئولین می‌لرزید که اگر بنزین به ما ندهند چه خاکی به سر کنیم! تحریم بنزین ما را خودکفا کرد و ما بنزین تولید می‌کنیم و به کشورهای دیگر صادر می‌کنیم. پس مصیبت و نعمت گاه در متن واقع نعمت است. امام حسین (علیه‌السلام) در مکه است، فردی از خویشان حضرت آمده خدمت حضرت که آقا از این سفر در گذر! به کوفه نرو! کوفه را که تو می‌شناسی با پدرت چه کردند با برادرانت چه کردند! حضرت فرمودند: فکر می‌کنم، تأمل می‌کنم روی پیشنهاد شما تأمل می‌کنم. عبدالله بن جعفر دید صبح علی‌الطُّلوع آقا دارند حرکت می‌کنند!

دوان دوان خودش را رساند به امام حسین (علیه‌السلام)، (داماد امیرالمؤمنین و شوهر حضرت زینب (علیهم‌السلام) است و محترم است) گفت: حسین جان مگر نگفتی من روی پیشنهاد شما تأمل می‌کنم! چون خودی بود حضرت جواب دقیق را به او دادند و فرمودند: دیشب جدم رسول خدا را در خواب دیدم به من امر کرد «یا حسین اخرج إلى العراق {فإن الله قد شاء أن يراك قتيلا ۹}»؛ «وَإِنَّ لَكَ فِي الْجَنَّةِ دَرَجَاتٍ لَا تَنَالُهَا إِلَّا بِالشَّهَادَةِ ۱۰»؛ حسین برو به سمت عراق، تو درجه‌ای پیش خدا داری که آن فقط با شهادت به دست تو می‌رسد!

شهادت کشته شدن و زخمی شدن است، اقل اقل زخم‌های پیکر مطهر اباعبدالله (علیه‌السلام) را ۷۲ زخم گفتند، ۳۵۰ هم گفتند، ۱۹۵۰ تا هم گفتند. وجهش این است که علمای ما گفتند «وقع السيف على موضع السيف والرمح على موضع الرمح»؛ یعنی یک جا گاهی چند بار ضربه خورده و لذا تعداد بالا رفته است.

هنری این نیست من فقط خدا را بستايم و حمد كنم و سپاس بگويم و شكر كنم موقعی که نعمتی به من می‌رسد قرآن می‌گوید: این کار خوبی نیست که یک مقدار سختی انسان دید، «{وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ {كَانَ يَتُوسَّسُ ۱۱}» وقتی خوشی دید حالا این خوشی را قدر بداند نه!

این شیوه اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) است. از خود سیدالشهداء (علیه‌السلام) نمونه عرض کنم؛ خطبه‌ای که خواند در شب عاشورا جمله اولش این است: «أثني على الله أحسن الثناء، وأحمده على السراء والضراء ۱۲»؛ این جمله اول سخنرانی حسین بن علی (علیه‌السلام) است: بهترین ثنا و ستایش را برای خدا دارم و خدا را حمد می‌کنم هم بر سراء و نعمت و خوشی، هم بر ضراء و نعمت و گرفتاری! مؤمن حالش فرق نمی‌کند.

این آغاز شب عاشورا است و نیز در پایان عصر عاشورا که در گودال قتلگاه افتاده لحظات آخر را دارد به سر می‌برد، همه نوشتند {عرضه داشت}؛ «صبراً على قضائك تسليماً لا مرك لا معبود سواك ۱۳»، آنجا نیز دارد حمد و سپاس می‌کند.

برویم سراغ شخصیت دوم کربلا زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) که در مجلس عیدالله ابن زیاد، ابن زیاد گفت: «كَيْفَ رَأَيْتِ صُنْعَ اللَّهِ بِأَخِيكَ وَأَهْلِ بَيْتِكَ»، دیدی خدا با برادرت چه کار کرد؟

جمله مشهور زینب (علیه‌السلام) که در انقلاب ما شد شعار! زینب کبری (علیه‌السلام) فرمود: «فَقَالَتْ مَا

رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا^{۱۴}»، من جز زیبایی چیزی ندیدم، من اصلاً نازیبا ندیدم، زشت ندیدم، عجیب است یعنی آن حالتی هم که من روی تل زینیه دارم به دوست تمنا می‌کنم، به دشمن رو می‌زنم، به آسمان دعا می‌کنم، همش زیبا است.

وقتی زیبایی بود حمد هست، سپاس هست، شکر هست.
در مجلس یزید در آن خطبه غرّا که انسان یاد خطب نهج البلاغه می‌افتد این قدر فصیح، این قدر بلیغ و این قدر مسجع، فرمود: «فَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَتَمَ لَنَا بِالسَّعَادَةِ وَلَا خَيْرَ نَا بِالشَّهَادَةِ وَالرَّحْمَةِ^{۱۵}»، من خدا را حمد می‌کنم که ما آغاز کارمان با سعادت و مغفرت گره خورد و آخر کارمان با شهادت و رحمت گره خورد. «وَتَسْأَلُ اللَّهُ أَنْ يُكْمِلَ لَهُمُ الثَّوَابَ وَيُوجِبَ لَهُمُ الْمَزِيدَ وَيُحْسِنَ عَلَيْنَا الْخِلَافَةَ^{۱۶}»، از خدا می‌خواهم اجر حسین و اصحاب حسین را کامل کند، از خدا می‌خواهم در نبود حسین نعم الخلف باشد و ما را وانهد. به‌صراحت دارد بر شهادت حمد می‌کند این نیز زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) است.

پس اگر بخواهیم از حسین درس بگیریم، از زیارت عاشورا درس بگیریم، باید بر ضراء نیز حامد باشیم، باید بر سختی‌ها هم حمد کنیم، ببینید ملت یمن را بسیاری از این ملت در شبانه‌روز یک وعده غذا می‌خورند، کفشی که با او می‌جنگند ببینید! تعداد زیادی پا برهنه‌اند!

تعدادی هم کفش‌های پوسیده‌ای دارند؛ اما دل قوی می‌دارند هر جمعه اینها تظاهرات چندمیلیونی دارند در اوج فقر و فلاکت!

این می‌شود یک ملت تراز، می‌شود یک ملت حسینی.
اولین درس سجده آخر زیارت عاشورا این است انسان حسینی در سختی‌ها کم نمی‌آورد در فشارها کم نمی‌آورد در تحریم‌ها چشم او بد نمی‌بیند، تحلیل او خطا نمی‌رود، دستاوردها را می‌گذارد کنار زحمات، می‌بیند قابل قیاس نیست، قابل مقایسه نیست.
یک مثلی در فارسی داریم (معمولاً مثل‌ها بیانگر ارتکازات انسان است):

هر که طاووس خواهد جور هندوستان کشد

نمی‌شود شما موشک نقطه‌زن تولید بکنی بعد از ۸۰ سال اولین کشوری باشی که اسرائیل را بزند، بعد از ۷۰ سال اولین کشوری باشی که در عین الاسد آمریکا را بزند کسی نتواند بگوید بالای چشمش ابرو است، توانی روی شش کشور تأثیرگذاری بکنی معلوم است که سختی هم دارد، دشمن نیز دارد می‌جنگد، تو باید این سختی را نعمت ببینی!

۲. جمله دوم در سجده آخر زیارت عاشورا می‌گوییم: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رَزَقِي^{۱۷}»؛ رزیه را دو معنا کردند:

گاه معنا شده پیش‌آمد ناگوار، گاه معنا شده مصیبت یا مصیبت بزرگ؛ اگر مصیبت بزرگ معنا بشود، «عَظِيمِ رَزَقِي» تأکید است و صفت به موصوف اضافه شده است؛ یعنی باز داریم تأکید می‌کنیم که خدایا در جریان عاشورا مصیبت سختی به ما وارد شد.

امام رضا (علیه‌السلام) امام است و امام وجودش اقیانوس، وجودش کهکشان است؛ آن قدر سعه وجودی‌اش زیاد است!

درعین حال به ابن شیب فرمود: «إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ أَقْرَحُ جُفُونَنَا وَأَسْبَلُ دُمُوعَنَا^{۱۸}». مصیبت حسین پلک‌های ما را آزرده و چشم‌های ما زخم شده است. امام معصوم است؛ ولی می‌فرماید آزرده شدیم؛ اما این آزرده شدن حمد دارد.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رَزَقِي»، یعنی «عَلَى رَزَقِي الْعَظِيمَةِ»، من خدا را سپاس می‌گویم، حمد می‌کنم، ستایش می‌کنم، بر آن مصیبت بسیار بسیار بزرگی که به من وارد شده است.

تعبیری که اینجا آمده این است می‌گویی خدایا فقط زینب کبری (علیها‌السلام) مصیبت‌زده نشد، فقط امام سجاد (علیه‌السلام) مصیبت‌زده نشد؛ بلکه تک‌تک شیعیان این خاندان «رَزِيَّة» دارند، «رَزِيَّة» به یاء متکلم منسوب شده است، «عَلَى عَظِيمِ رَزَقِي»، تک‌تک ما مصیبت زده‌ایم و این افتخاری است برای ما، چرا؟

چون فرمود: «إِنْ شِيعَتُنَا مَنَّا خَلَقُوا مِنْ فَاضِلِ طِينَتِنَا {وَعَجَنُوا بِمَاءِ وَلَايَتِنَا ١٩}»؛

«الَّذِينَ يَقَرُّحُونَ لِقَرَحِنَا وَيَحْرُفُونَ لِحُرَّتِنَا ٢٠».

مردم از گل های متفاوتی خلق شدند فرمود شیعیان ما از ما خلق شدند.

یک عده در کوفه دنبال امیرالمؤمنین (علیه السلام) راه افتادند، حضرت خوش نداشتند کسی پشت سرشان راه برود این را صفت خوبی نمی دیدند، ایستادند، برگشتند و فرمودند: کاری با من دارید گفتند نه! فرمود چرا دنبال من راه افتادید؟

گفتند: «یا امیرالمؤمنین نحن شیعتک»، ما شیعیان شما هستیم؛ خیلی روایت شیرین است. حضرت ژرف در صورت اینها نگاه کرد، عمیق در صورت اینها نگاه کرد، فرمود نه!

شما شیعه من نیستید هرچه نگاه می کنم در فهرست شیعیان من اسم شما نیست؛ عالم حساب کتاب دارد.

به ابن عباس می گفتند ابن عباس دیدی باختی! دیدی از کربلا ماندی!

تو پسرعموی این خاندانی، تو در حکومت علی نفر سوم یا چهارم بودی! دیدی ماندی!

با ناراحتی می گفت ساکت! حرف نزند!

قبل از شهادت حسین بن علی بن ابی طالب (علیهم السلام) ما فهرست شهدای کربلا را می دانستیم!

در زندگی نامه زهیر نوشتند: «وكان عثمانی المذهب»، در دعوی علی و عثمان زهیر به سمت عثمان غش می کرد؛ اما این در فهرست شهدای کربلا هست با دو جمله اباعبدالله (علیه السلام) حسینی شد؛ شیعه فهرست دارد.

لذا می گوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رَزَقِي»، اگر هیچ کس در عالم نباشد من به تنهایی مصیبت زده حسین هستم،

من شیعه اباعبدالله هستم، چون «إِنْ شِيعَتُنَا مَنَّا خَلَقُوا مِنْ فَاضِلِ طِينَتِنَا {وَعَجَنُوا بِمَاءِ وَلَايَتِنَا ٢١}»؛

الَّذِينَ يَقَرُّحُونَ لِقَرَحِنَا وَيَحْرُفُونَ لِحُرَّتِنَا ٢٢».

دیدید محرم که شروع می شود شیعه امیرالمؤمنین، شیعه اباعبدالله (علیهم السلام) برای گریه کردن بهانه می خواهد، حالا خیلی فرق کرده قدیم در مجالس روضه اباعبدالله روضه خوان می گفت السلام علیک یا اباعبدالله چند نفر غش می کردند هنوز روضه نخوانده!

یک موقعی یکی از علما می فرمود آخرالزمان زمانه سرقت ایمان است. اهل بیت (علیهم السلام) فرمودند دین داری در آخرالزمان مثل نگه داشتن آتش کف دست است. چقدر انسان طاقت می آورد آتش را کف دست نگه دارد؟

چون آخرالزمان زمانه سرقت ایمان است از قبل اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) آمدند برای ما شاخصه مشخص کرده اند، گفتند می خواهی ببینی این ایمان هست یا نیست؟! ایمان تو را دزدیدند یا ندزدیدند؟!!

ایمانی برایت مانده یا اسمش مانده است؟!!

این شاخص ها را در نظر داشته باش!

یکی از شاخصه ها که مربوط به ایام ماست، جمله معروف رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) است که

فرمود: «إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا ٢٣»، شهادت حسین بن علی (علیه السلام) یک آتشی به جگر مؤمن میندازد که این آتش هرگز خنک نمی شود تا روز قیامت.

نگاه کن و ببین یاد اباعبدالله می آید متأثر می شوی یا متأثر نمی شوی؟ و اینها خریدار دارد!

این داستان از مرحوم آقای بهجت مشهور شد، می دانید عراق سنی های متعصبی داشته است، شیعیانش نیز که مشخص اند دیگر شما در زیارت اربعین می بینید چه می کند شیعه برای زائران اباعبدالله (علیه السلام)؛ یک سال در اوج فقر جمع آوری می کند از دهان زن و بچه اش می زند که بیاید پانزده روز ایام اربعین خرج زائر اباعبدالله بکند!

دیدید دیگر، گریه می کند شما را می برد در موکب، پای پر عرق زائر را اول می بوسد، بعد شروع می کند ماساژ دادن، این تاول ها را درمان کردن.

عراق سنی های متعصبی داشته و شیعیان متعصبی هم داشته است.

یکی از این سنیان بسیار متعصب که بوی ناصبی گری می داده است گفت به شیعه ای که عازم نجف بود:

رفتی نجف به علی بگو من با او دشمن هستم، گفتند دشمن علی آرامش ندارد!

چرا هیچ بلایی سر من در نمی آید؟

هرچه این شیعه نصیحتش کرد که آخر این چه حرفی است؟
مردم التماس دعا می‌گویند کسی نجف می‌رود؛ ولی تو می‌گویی من این پیغام را بدهم خدمت امیرالمؤمنین؟!
گفت همین که گفتم!

این شیعه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) آمد نجف، خجالت کشید حرف این سنی متعصب را منتقل کند.
شبانگاهان در خواب امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) را دید حضرت به او زیارت قبولی گفتند خوشا به حالش!
خوشا به حالش!

زیارت قبولی گفتند بعد فرمودند پیام رفیقت را نفرستادی!
گفت آقا رفیق من نیست، با من رفاقتی ندارد، پیامی به من داده است فقط. حضرت فرمودند از طرف من به
او بگو تو بر گردن ما دینی داری به خاطر آن دین ما با تو کاری نداریم!

دست را نیز می‌گیریم. مرحوم آیت‌الله بهجت (رحمت‌الله‌علیه) نقل کردند که این شیعه در خواب پرسید آقا
این سنی متعصبی که بوی ناصبی‌گری هم می‌دهد این چه دینی به گردن شما دارد؟
حضرت فرمودند روی پل روبروی شط ایستاده بود (هم فرات پل دارد و هم دجله پل دارد)؛ روی پل یک
روزی روبروی شط ایستاده بود، این آب رودخانه که شکم می‌زد و جلو می‌آمد یک لحظه وقتی چشمش به
این آب افتاد این‌طور در ذهنش گذشت که چه می‌شد در کربلا قطره‌ای از این آب به حسین می‌دادند؟!
این جمله را گفت یک‌ذره چشمش اشک‌آلود شد، اشک پایین هم نریخت، امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرمودند
به او بگو تو به گردن ما دین داری!

تو برای حسین ما گریه کردی ما دست تو را نیز می‌گیریم؛ آمد جریان را منتقل کرد، این سنی فریاد کشید
و گفت والله این جریان را زن من هم نمی‌دانست، بچه من هم نمی‌دانست یک بار نیز بیشتر تکرار نشد! اما
می‌بینند!

دو ماه یا ده روز لباس سیاه می‌پوشی می‌روی زیر خیمه اباعبدالله می‌خواهی دیده نشوی! حتماً دیده می‌شوی!
حالا که فی‌الجمله دلت آماده شد، این داستان را نیز بگویم ما باقی مطلب می‌ماند آمد. فردی خدمت امام
صادق (علیه‌السلام) وارد شد، امام صادق (علیه‌السلام) تنها نشسته بودند، سلام کرد و نشست، حضرت
جواب سلام دادند، این هیبت امام صادق (علیه‌السلام)، امام معصوم، حجت خدا، نور الهی وجود او را
احاطه کرده است، از این هیبت و زیبایی امام صادق (علیه‌السلام) خیلی خوشش آمد رو کرد به امام گفت
آقا یک مطلب می‌خواهم عرض بکنم خدمت شما، آقا فرمودند خب بفرمایید می‌شنوم، گفت آقا به دلم که
مراجعه می‌کنم می‌بینم شما را دوست دارم، عاشق شما هستم و می‌خواهم شما را، تعبیر روایت این است:
امام (علیه‌السلام) «أُطْرُقَ مَلِيًّا»، یعنی سرشان را پایین انداختند مدتی به حالت تفکر، «ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ»، سپس

سرشان را بلند کردند فرمودند: «صَدَقْتَ»، راست می‌گویی، درست می‌گویی!

گفت آقا از کجا می‌گویند من درست می‌گویم؟

حسینی‌ها قدر بدانید، فرمود چون من نیز به دلم مراجعه کردم دیدم من نیز تو را دوست دارم.
کجای دل اباعبدالله نشستید که الان آمدید در مجلس اباعبدالله می‌خواهید برای حسین فاطمه گریه کنید؛
«الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رَزَقَتِي».

روز تاسوعا است، مجلس خیلی آماده است، بی‌مقدمه بروم در روضه؛
تنها جایی که اباعبدالله (علیه‌السلام) مطلبی فرمودند که می‌شکند انسان را، جایی است که حضرت فرمودند: من
حسین از وسط شکستم؛ یعنی وقتی رسید بالای سر این جنازه ارباً ارباً دشمن نیز نفهمید؛ چون حضرت دست به
کمر نگرفت، صلابتش را حفظ کرده است و نفرمود الان تکسر، تکسر یعنی شکستی که صدایش بیاید، انکسر
شکستن است که صدا ندارد ولی شکسته است، فرمود: «أَلَا نَكْسَرَ ظَهْرَ ظَهْرِي وَقَلَّتْ حِيلَتِي»^{۲۴} کمرم شکست و
چاره‌ام کم شد.

اینجا حسین شکسته است؛ ولی صلابت خودش را حفظ کرده است، هرچه فکر کرده دیده است این جنازه قابل
حمل به خیام حرم نیست.

در این روضه‌ها شنیدید از آن عالم پرسیدند وقتی کسی را می‌گویند «قَطَّعَهُ إِرْبًا إِرْبًا» یعنی چه؟
تسبیح دستش بود بند تسبیح را پاره کرد این تسبیح ریخت وسط اتاق، فرمود؛ یعنی این‌طوری! از کجا می‌خواهید
جمعش کنید؟!

تعبیر مقاتل این است که فقط دست‌ها قطع نشده بود، پاهای اباالفضل را نیز قطع کرده بودند. حسین آرام‌آرام می‌آید به سمت علقمه، آنجا رفتید از حرم دوره مخصوصاً آن موقع که موانع هم بوده است، کسی نمی‌دانست چه خبر شده است، دشمن خوشحال است، از خوشحالی دشمن، اهل بیت (علیهم‌السلام) فهمیدند یک خبر ناگواری در راه است، سیدالشهداء (علیه‌السلام) رسید کسی با آن حال حضرت جرئت نکرد سؤال کند، فقط سکینه خاتون آمد جلو، «یا ابتاه این عمی‌العباس؟» خیلی خاطر این دختر برای پدر عزیز است؛ اما درعین حال پاسخ این دختر را نداد و یک مستقیم آمد در خیمه عباس، کاری کرد که همه فهمیدند چه شده است، عمود خیمه را کشید. قصد زیارت کن سه مرتبه بگو یا حسین...

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

فهرست منابع

۱. کفعمی، ابراهیم بن علی. ۱۴۰۵-۱۳۶۴. المصباح. ۱ ج. قم - ایران: الشریف الرضی، ص ۴۸۵.
۲. کفعمی، ابراهیم بن علی. ۱۴۰۵-۱۳۶۴. المصباح. ۱ ج. قم - ایران: الشریف الرضی، ص ۴۸۴ و ۴۸۵.
۳. کفعمی، ابراهیم بن علی. ۱۴۰۵-۱۳۶۴. المصباح. ۱ ج. قم - ایران: الشریف الرضی، ص ۴۸۵.
۴. معراج السعادة، باب چهارم، صفت سیزدهم.
۵. مضمون این تعبیر در روایات وجود دارد؛ غفاری، علی اکبر، کلینی، محمد بن یعقوب، و آخوندی، محمد. ۱۳۶۳. الکافی. ۸ ج. تهران - ایران: دار الکتب الإسلامية، ج ۲، ص ۱۰۹.
۶. با اندک تغییری؛ ورام، مسعود بن عیسی. بدون تاریخ. تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعه ورام. ۲ ج. بیروت - لبنان: دار صعب، ص ۲۲۳.
۷. کفعمی، ابراهیم بن علی. ۱۴۰۵-۱۳۶۴. المصباح. ۱ ج. قم - ایران: الشریف الرضی، ص ۴۸۵.
۸. ابن طاووس، علی بن موسی، و آخوندی، محمد. ۱۳۶۷. إقبال الأعمال. ۲ ج. تهران - ایران: دار الکتب الإسلامية، ج ۲، ص ۲۴۴.
۹. بحرانی، عبد الله بن نور الله، موحد ابطحی اصفهانی، محمدباقر، و مدرسه الامام المهدي عليه السلام. ۱۳۷۵. عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال. ۱۱ ج. قم - ایران: مدرسه الإمام المهدي (عليه السلام)، ج ۱۷، ص ۲۱۴.
۱۰. ابن بابویه، محمد بن علی، و کمره‌ای، محمدباقر. ۱۳۷۶. أمالی شیخ صدوق. ۱ ج. تهران - ایران: کتابچی، ص ۱۵۲.
۱۱. سوره اسراء، آیه ۸۳.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، و مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث. ۱۴۱۷-۱۳۷۵. إعلام الوری بأعلام الهدی. ۲ ج. قم - ایران: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، ج ۱، ص ۴۵۵.
۱۳. با اندک تغییری؛ مقرر، عبدالرزاق. ۱۳۳۶-۱۳۷۶. مقتل الحسين عليه السلام. ۱ ج. نجف اشرف - عراق: دار الکتب الإسلامية، ص ۳۳۱.
۱۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مسترحمی، هدايت الله، غفاری، علی اکبر، بهبودی، محمدباقر، مصباح یزدی، محمد تقی، محمودی، محمدباقر، خرسان، محمدمهدي، و دیگران. ۱۴۰۳. بحارالأنوار: الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. ۱۱۱ ج. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربي، ج ۴۵، ص ۱۱۵ و ۱۱۶.
۱۵. حائری، محمد بن ابی طالب، و کریم، فارس حسون. ۱۴۱۸-۱۳۷۶. تسلیة المجالس و زینة المجالس الموسوم بـ«مقتل الحسين عليه السلام». ۲ ج. قم - ایران: بنیاد معارف اسلامی، ج ۲، ص ۳۹۰.
۱۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مسترحمی، هدايت الله، غفاری، علی اکبر، بهبودی، محمدباقر، مصباح یزدی، محمد تقی، محمودی، محمدباقر، خرسان، محمدمهدي، و دیگران. ۱۴۰۳. بحارالأنوار: الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. ۱۱۱ ج. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربي، ج ۴۵، ص ۱۳.
۱۷. کفعمی، ابراهیم بن علی. ۱۴۰۵-۱۳۶۴. المصباح. ۱ ج. قم - ایران: الشریف الرضی، ص ۴۸۵.
۱۸. با اندک تغییری؛ رسولی، هاشم، ابن شهر آشوب، محمد بن علی، و آشتیانی، محمدحسین. بدون تاریخ. المناقب. ۴ ج. قم - ایران: علامه، ج ۴، ص ۸۶.
۱۹. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مسترحمی، هدايت الله، غفاری، علی اکبر، بهبودی، محمدباقر، مصباح یزدی، محمد تقی، محمودی، محمدباقر، خرسان، محمدمهدي، و دیگران. ۱۴۰۳. بحارالأنوار: الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. ۱۱۱ ج. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربي، ج ۵۳، ص ۳۰۳.

۲۰. حر عاملی، محمد بن حسن، حسینی جلالی، محمدرضا، و مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث. ۱۳۷۴-۱۴۱۶. تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. ۳۰ ج. قم - ایران: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لاحیاء التراث، ج ۱۴، ص ۵۰۸.
۲۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مسترحمی، هدايت الله، غفاری، علی اکبر، بهبودی، محمدباقر، مصباح یزدی، محمد تقی، محمودی، محمدباقر، خراسان، محمدمهدی، و دیگران. ۱۴۰۳. بحار الأنوار: الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. ۱۱۱ ج. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی، ج ۵۳، ص ۳۰۳.
۲۲. حر عاملی، محمد بن حسن، حسینی جلالی، محمدرضا، و مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث. ۱۳۷۴-۱۴۱۶. تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. ۳۰ ج. قم - ایران: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لاحیاء التراث، ج ۱۴، ص ۵۰۸.
۲۳. نوری، حسین بن محمدتقی، و مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث. ۱۹۸۷-۱۴۰۸. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. ۳۰ ج. بیروت - لبنان: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لاحیاء التراث، ج ۱۰، ص ۳۱۸.
۲۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مسترحمی، هدايت الله، غفاری، علی اکبر، بهبودی، محمدباقر، مصباح یزدی، محمد تقی، محمودی، محمدباقر، خراسان، محمدمهدی، و دیگران. ۱۴۰۳. بحار الأنوار: الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. ۱۱۱ ج. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی، ج ۴۵، ص ۴۲.